

بررسی نقش و جایگاه معلمان در بهبود و اجرای طرح ساحت های شش گانه در سند تحول بنیادین

منیره نوری^۱، محسن لعلی^۲

^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

^۲ دکتر روانشناسی، دانشگاه فرهنگیان

چکیده

آموزش و پرورش به عنوان اساسی ترین نهاد تربیتی کشور پایه گذار شخصیت دینی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نسل آینده است. دستیابی به آموزش و پرورشی پویا، موفق و اثربخش، نیازمند تحول عمیق و ریشه ای در این نهاد گسترده و سرنوشت ساز است. سند ملی تحول بنیادین نقشه راه آموزش و پرورش است که توسط صاحب نظران با مشارکت متخصصان عرصه تعلیم و تربیت تدوین و تصویب شده است. در این سند، تعلیم و تربیت فرآیندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می آورد. معلم عنصر کلیدی انتقال دانش و آموزش به دانش آموزان بوده و به عنوان مجریان اصلی و نقش آفرینان مهم سند تحول و در واقع کارگزار حقیقی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور محسوب می شوند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر نقش و جایگاه معلمان در بهبود و اجرای طرح ساحت های شش گانه در سند تحول بنیادین و به روش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که معلم اثربخش معلمی است که با داشتن مهارت ها، صلاحیت های حرفه ای و اخلاق معلمی، علاوه بر فراهم آوردن زمینه مناسب برای یادگیری همه جانبه دانش آموزان، همچون چراغ راهی در راستای اتخاذ سیاست های درست و پیشبرد هر چه بیشتر مفاد و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش عمل نماید.

واژه های کلیدی: معلم، سند تحول بنیادین، ساحت های شش گانه، نظام تعلیم و تربیت

مقدمه

راهنمایی و تربیت لازمه تداوم حیات بشری انسان است. خصوصیات جسمی، غرایز و هوسهای انسان باید تحت کنترل و نظارت باشد؛ زیرا در غیر اینصورت به سمت نابودی پیش می رود. انسان موجودی آزاد است و آزادی او را موظف می کند که بر طبع سرکش خود فایق آید. بنابراین انسان برای شناخت جهان و انجام اعمال، صحیح، منطقی و انسانی لازم است که بر قوا و غرایز حیوانی خود غلبه کند و آنها را به اطاعت وا دارد. [۱] پس تربیت از مهمترین دغدغه های بشری است که ریشه در هزاران نسل پیش دارد و آثار آن در نسل های بعدی به طور متوالی ادامه می یابد. بدین ترتیب جوامع مختلف بر اساس فلسفه فرهنگ و انتظارات خود اهداف مختلفی را برای تربیت مطرح می کنند. در این راستا صاحب نظران عرصه تعلیم و تربیت جوامع مختلف اهداف متفاوتی را برای این امر ذکر کرده اند و این موضوع اگرچه ارائه توصیفی مشخص از اهداف تربیت را دشوار ساخته است بیانگر اهمیت توجه به آن می باشد در واقع بدون وجود هدف، فعالیت های انسان فاقد معناست و این امر در تربیت وجهه ای خاص تر می یابد.

از آنجا که رفتار افراد در بزرگسالی تحت تأثیر نوع تربیتی است که در نظام های تربیتی کسب کرده اند، از این رو ضروریست نظام های تربیتی برای برنامه های تربیتی برنامه ها و اهداف مشخص و ارزشمندی را در نظر داشته باشند، به ویژه که تحقق بسیاری از اهداف نظام های تربیتی در جوامع صنعتی کنونی دشوار شده است و در این راستا لازم است تمهیدات جدی و ضروری در نظر گرفته شود. از سوی دیگر ابتدایی ترین نیاز انسان وجود هدف است که مسیر زندگی را مشخص می کند، به زندگی معنا و مفهوم بخشیده و از بیراهه رفتن انسانها جلوگیری می کند. تحقق ارزشهای معنوی و اجتماعی در افراد بشر برای مواجهه صحیح با نیازها، تمایلات و محرکهای درونی که منشأ غریزی و حیوانی دارند، یکی از اهداف اساسی نظام های تربیتی است. [۲] آموزش و پرورش به عنوان اساسی ترین نهاد تربیتی کشور پایه گذار شخصیت دینی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نسل آینده است. متأسفانه این نهاد مهم در کشور، آن گونه که باید و شاید، پاسخگوی نیازهای گسترده جامعه در راستای اهداف و آرمانهای بلند انقلاب اسلامی نبوده، و تربیت نیروی انسانی مؤثر با مشکلات نظری و عملی فراوانی روبرو شده است. رهایی از کاستی ها و ناکارآمدی های موجود، و دستیابی به آموزش و پرورش پویا، موفق و اثربخش، نیازمند تحول عمیق و ریشه ای در این نهاد گسترده و سرنوشت ساز است، تا با بازخوانی و بازتولید تمام عوامل مؤثر پیدا و نهان این نظام، بتوان با استفاده بهینه از فرصتها، منابع و امکانات، تحقق اهداف را تسهیل و تسریع کرد. [۳]

موضوع تحول در نظام مدیریت آموزش و پرورش یکی از موضوع های اساسی در نظام تعلیم و تربیت است که از منظر حوزه های سیاست گذاری، برنامه ریزی، مدیریت و اجرا اهمیت زیادی دارد. این موضوع از دیر باز ذهن مسئولان آموزشی را در سطوح مختلف به خود مشغول داشته است زیرا به دلیل ماهیت پویا و پیوسته نظام آموزشی، تنها از طریق یک فرآیند تحولی نهادینه شده می توان به تحقق اهداف آموزش و پرورش خوش بین بوده و زمینه های تحقق اهداف و آرمانهای مترتب بر نظام آموزش و پرورش را مهیا دانست و این جز با مشارکت فعال و مستمر امکان پذیر نیست.

تحول در نظام آموزش و پرورش یک موضوع علمی مبتنی بر مبانی نظری گسترده ای است که با کل نظام آموزش و پرورش مرتبط بوده و با مباحث دیگری از جمله تغییر، اصلاح، نوآوری و ارتقا هم ارتباط دارد. تحول نیازمند نواندیشی هایی در باز تعریف آرمانها، اهداف، نتایج و دستاوردهای آموزش و پرورش است که از طریق استقرار یک نظام فلسفه دقیق، علمی و مبتنی بر هویت ملی و دینی کشور امکان پذیر می شود از این رو در نظام آموزشی، پویایی نظام می تواند از یک سو، از تغییر و اصلاح و نوآوری آغاز و با تأثیر بر ارتقای نظام به نقطه غایی خود یعنی تحول در نظام آموزشی ختم شود و از سوی دیگر، می تواند با تحول رویکردهای نظری و باز تعریف آرمانها و دستاوردهای نظام آموزشی، منجر به تغییر، اصلاح و نوآوری شود تا بدان وسیله ارتقاء نظام آموزشی حاصل آید. [۴]

سند ملی تحول بنیادین نقشه راه آموزش و پرورش است که توسط صاحب نظران با مشارکت متخصصان عرصه تعلیم و تربیت تدوین و تصویب شده است. در این سند، تعلیم و تربیت فرآیندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه

ابعاد، زمینه های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می آورد. بدون شک تهیه، تدوین و تصویب این سند در شورای عالی انقلاب فرهنگی نقطه عطفی در سازمان آموزش و پرورش باید دانست.

با پذیرش نقش تأثیرگذار نهاد آموزش و پرورش، کدام مؤلفه آن در درجه نخست اهمیت و اولویت قرار می گیرد؟ پاسخ بدین پرسش، مستلزم نگرش نظام مند به موضوع است، به گونه ای که از هیچ عنصر یا مؤلفه ای غفلت نشود و به کلیت نظام و عناصر آن در یک رابطه تعاملی توجه شود. اما بدون غفلت از همه جانبه نگری، می توان نقش برخی عناصر از جمله نقش عنصر «معلم»، را شاخص و برجسته کرد و به آن وزن بیشتری داد.

معلم از آن جا که اهداف متعالی و اجرایی نظام آموزش و پرورش، نهایتاً توسط وی محقق می شود، به عنوان عامل و کارگزار اصلی تعلیم و تربیت به شمار می آید. تعامل مستمر و چهره به چهره معلم و دانش آموزان به عنوان دو قطب اصلی نظام تربیتی، معلم را در موقعیت ممتاز و منحصر به فردی قرار می دهد که هیچ یک از دیگر عناصر نظام آموزشی از آن برخوردار نیستند. به همین سبب، ضعف و فتور وی می تواند موجب گسست این زنجیره و شکست در دستیابی به اهداف آموزشی و پرورشی شود. [۵]

در فرآیند تحولات آموزشی و پرورشی، معلمان به عنوان عامل اصلی مطرح می باشند: اول به دلیل نقش موثری که بر خط مشی های آموزشی از طریق فعالیت در اتحادیه های معلمان دارند و دوم به دلیل اقدامات و فعالیت های روزانه خود در فرآیند یاددهی - یادگیری دانش آموزان در کلاس های درس. در سند تحول بنیادین، معلم اثربخش به عنوان الگویی بصیر و امین و تأثیرگذارترین عنصر در تحقق و اجرای مأموریت های نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور است.

پیشینه تحقیق

در این گفتار به اختصار به بیان مطالعات و تحقیق هایی که در این زمینه انجام گرفته است، می پردازیم: حصاری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «فرآیند بهبود روند آموزش: نقش معلم در مقابل نقش دانش آموزان» به بررسی نقش معلم در بهبود روند آموزش و ارتباط آن با نقش دانش آموزان پرداخته اند. یافته های پژوهش حاکی از اهمیت اساسی نقش معلم در کلاس نسبت به تغییر نگرش شاگردان بوده است. ایجاد نگرش مثبت از جانب معلم باعث ارتقا سطح یادگیری شاگردان می شود.

جاویدان و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی الگوی ویژگیها و شایستگیهای معلمی بر اساس اسناد بالادستی آموزش و پرورش پرداخته اند. بر اساس یافته ها ۸ خرده مقیاس به دست آمد که عبارتند از: ارزشها، دانشها، انگیزشها، سلامت، تواناییها، رغبتها، باورها و صلاحیت اخلاقی. بر اساس نتایج، باورها و عقاید معلمان نسبت به حرفه معلمی بار عاملی بالاتری را در مدل شایستگی معلمان نشان میدهد.

علی محمدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی ابعاد توانمندسازی حرفه ای معلمان در چشم انداز آینده و ارائه مدل دانشگاه فرهنگیان پرداخته و نشان دادند ابعاد توانمندسازی حرفه ای معلمان مشتمل بر شش مؤلفه محتوای برنامه درسی و آموزشی، سواد دیجیتالی، اخلاق و بصیرت دینی، بهسازی کارورزی، ساختار سازمانی، توسعه مهارتهای حرفه ای معلم می باشد.

در تحقیق تاجیک (۱۳۸۴) میزان آگاهی معلم از اهداف درس تعلیمات اجتماعی در حد متوسط بوده، اکثریت معلمان اطلاعات و آگاهی کافی از روشهای تدریس نداشته و در رابطه با کاربرد مواد آموزشی اکثر معلمان به کتاب درس بسنده می کنند. همچنین اکثر معلمان با اصول و روشهای علمی ارزشیابی، آشنایی کافی نداشته و در طراحی سوالات امتحانی از نظر دانش و مهارت در سطح بالایی قرار ندارند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی بررسی نقش و جایگاه معلمان در بهبود و اجرای طرح ساحت های شش گانه در سند تحول بنیادین، به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد. در این پژوهش ابتدا به بیان ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت در سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته و پس از بیان صلاحیت های حرفه معلمی و شایستگی های معلم اثربخش، ویژگی های معلم اثربخش را مورد بررسی قرار داده ایم.

یافته های تحقیق

امروزه سنگ زیربنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه نظام آموزش و پرورش آن به شمار می آید. [۶]. کودکان و نوجوانان مخاطبان اصلی نهاد آموزش و پرورش هستند که آنچه را امروز می آموزند در آینده ای نه چندان دور در افکار و رفتار آنان تجلی می یابد. بنابراین، تحولات آموزشی و تربیتی امروز تاثیر قابل توجهی بر چگونگی شکل گیری آینده دارد. به عبارت دیگر در فرآیند تعلیم و تربیت برنامه های امروز و فردا به هم وابسته است، و این نهاد بیش از سایر ارگانها و نهادها به برنامه های تحولی نیازمند است. از این رو امروز، در اکثر کشورهای جهان مسئله تدوین و اجرای برنامه های راهبردی تحول آفرین در اولویت برنامه های نهادهای آموزشی قرار دارد. [۷]

سند ملی تحول بنیادین نقشه راه آموزش و پرورش است که توسط صاحب نظران با مشارکت متخصصان عرصه تعلیم و تربیت تدوین و تصویب شده است. در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش، تلاش شده است تا با الهام از اسناد بالادستی و بهره گیری از ارزشهای بنیادین موجود در اسناد یادشده، و با توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود، و ترسیم گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام بخش جهان اسلام، همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین المللی است.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حقیقت برنامه ای راهبردی، و یکی از گسترده ترین طرحهای نرم افزاری کشور است که با تأکید بر جنبه های کیفی، و نیز در نظر گرفتن عناصر درونی و برونی، و مباحث ساختاری نظام تدوین شده است. قلمرو سند تحول عرصه های مختلف توسعه، اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می شود. این سند، پایه، ملاک و راهنمای تصمیم گیریهای اساسی برای هدایت، راهبری، نظارت و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی به منظور تحقق تحولات محتوایی و ساختاری است. [۸]

بسته سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش در چهار بخش زیر تصویب و آماده شده است :

- فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران
- فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران
- رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران
- سند تحول راهبردی نظام فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

همانطور که از این عناوین به دست می آید و به باور بسیاری از صاحب نظران تعلیم و تربیت، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یک سند تربیتی است؛ چرا که شاکله و شالوده اصلی آن را طراحی راهبردها و ارائه راهکارهایی تشکیل داده است که در صورت اجرای درست منجر به تربیت دانش آموز تراز جمهوری اسلامی ایران می شود.

از گذر اجرای بندهای این سند، دانش آموزان ضمن تقویت و تثبیت پایه های ایمان خود در دوران تحصیل مجموعه ای از نیازمندیهای فکری و معرفتی، علمی و کاربردی را که در زندگی به آن نیاز دارند، می آموزند و در مدرسه تجربه می کنند. بر

پایه این سند، مدرسه جلوه ای از تحقق مراتب حیات طیبه و کانون عرضه خدمات و فرصت های تعلیم و تربیت است؛ بنابراین باید زمینه و بستر آموزش های نظری و مهارت های زندگی را فراهم سازد، به نحوی که دانش آموزان با طی هر دوره تحصیلی از دانایی و توانایی های بیشتری برای زندگی پاک بهره مند گردد. [۹]

در مبانی نظری سند تحول بنیادین شش ساحت تربیت بیان شده اند که شامل ساحت های تربیتی «اعتقادی، عبادی و اخلاقی، زیستی و بدنی، سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و حرفه ای، علمی و فناوری، و هنری و زیبایی شناختی» می شوند. در تعلیم و تربیت، ساحت به حوزه و محدوده ای از فعالیت های تعلیم و تربیت گفته می شود که ناظر به پرورش بخشی از استعدادها و بینش ها، مهارت ها و توانایی های مشترک باشد. [۱۰] مشروط بر آنکه اولاً این حوزه ها در عرض یکدیگر باشند و ثانیاً برای انسان، از آن جهت که انسان است، در نظر گرفته شده باشند. در ادامه به شرح هر یک از این ساحت ها می پردازیم:

۱. تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

تعمیق تقوای الهی و مهارت خویشنداری، تقویت شایستگی های اعتقادی و اخلاقی، تقویت ایمان و بصیرت دینی، تقویت آداب و سبک زندگی اسلامی.

۲. تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی

توانمندی دانش آموزان ساکن مناطق محروم، تربیت نیروی انسانی کارآمد، اولویت بخشی به تأمین و تخصیص منابع ورزشی و هنری، طراحی و تدوین برنامه آموزش متناسب با نیازها و نقش های دختران و پسران، تدوین برنامه تعلیم و تربیت انعطاف پذیر به منشور شکوفایی استعداد های خاص.

۳. تعلیم و تربیت زیستی و بدنی

تقویت همکاری مدرسه با مراکز فرهنگی و اقتصادی، افزایش نقش مدرسه به عنوان یکی از کانون های پیشرفت محلی فرهنگی اجتماعی، برقراری ارتباط سازمان یافته با مراکز علمی پژوهشی، تأکید بر معلم محوری در رابطه با معلم و دانش آموزان در عرصه تعلیم و تربیت، افزایش نقش شوراهای درون مدرسه ای (شورای معلمان و دانش آموزان)

۴. تعلیم و تربیت زیبایی شناختی و هنری

طراحی و ارائه الگوی لباس و پوشش، ترویج فرهنگ عفاف و حجاب، ارائه خدمات مشاوره ای، برنامه ریزی اقناع فکری دانش آموزان، جلب مشارکت سازنده و اثربخش خانواده ها.

۵. تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه ای

بازدید از موزه و نمایشگاه علم و فناوری، غنی سازی منابع و امکاناتی از قبیل: کتابخانه، آزمایشگاه و...، اردوهای یک روزه از محیط های یادگیری مانند: پژوهش سراها، اردوگاهها و کتابخانه های عمومی، موزه ها، خانه های فرهنگ، ورزشگاه و...

۶. تعلیم و تربیت علمی و فناورانه

ارتقاء کیفیت فرآیند تعلیم و تربیت با تکیه بر استفاده هوشمند از فناوری نوین، تجهیز کلاسها و طراحی و ساخت فضاهای تربیتی متناسب با اقتضائات برنامه درسی مدارس، اهتمام به طراحی، ساخت و تجهیز مناسب نمازخانه، کتابخانه، آزمایشگاه، فضای ورزشی و...

نقش معلم در اجرای طرح ساحت های شش گانه

هر گونه تحول اساسی در جامعه مستلزم متحول شدن نظام آموزشی آن جامعه است و محور اصلی پیشرفت هر نظام آموزشی کیفیت عملکرد معلم می باشد. معلم به عنوان مهمترین رکن تعلیم و تربیت در تربیت ابعاد آموزشی، اعتقادی، عاطفی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و... دانش آموزان مستقیماً دخالت دارد؛ و در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه نقش به سزائی ایفا می کند. [۱۱]

در سالهای اخیر یکی از رویکردهای توسعه و توانمندسازی معلمان، اثربخشی معلمان عنوان می شود که منجر به بهبود کیفیت آموزش و پرورش دانش آموزان شده است. لذا نقطه اتکای هر تغییر و تحولی، معلم اثربخش بوده، چرا که معلم اثربخش موقعیت های ایجاد یادگیری در بین دانش آموزان را با تکیه بر دانش و مهارت مورد نیاز معلمی و داشتن شایستگی و صلاحیت های حرفه ای خود فراهم می آورد. [۱۲]

۱. دیدگاه های مختلف در مورد نقش آموزشی و تربیتی معلم

نقش معلم و مربی را در جریان ارتباط با دانش آموزان و یادگیری، نظریه پردازان بزرگی چون پیائزه، اریکسون، فروید، کارل راجرز، آبراهام مازلو و بی.اف. اسکینر مورد بررسی و تحلیل قرار داده اند. در اینجا به اختصار به نقش آموزشی و تربیتی معلم از دیدگاه های فوق می پردازیم: [۱۳]

۱-۱. دیدگاه رشدی - شناختی

در این دیدگاه معلم نقشی راهنما و هدایت کننده دارد و صحنه و محیط یادگیری را آماده می کند و در این محیط کودکان را با انواع متنوعی از اعمال جستجوگرانه و کاوشگرانه روبرو می کند. تشویق روحیه پژوهشگری در کودکان و کمک به آگاه شدن آنها نسبت به اشیا و محیط پیرامونشان از وظایف معلم است. نتیجه چنین نقش حساسی در سوال و جواب های محرک و برانگیزاننده کودکان و فعالیت هایشان تجلی می یابد. در این دیدگاه معلم بهره برداری حداکثری از زمان را دارد و به کودکان آزادی در جهت یادگیری می دهد. از این رو معلم نقش تعیین کننده ای در طراحی سوالات برانگیزاننده، دلگرم کردن کودکان، طراحی مطالب و محتوای درسی و فراهم کردن تجربیات یادگیری مناسب دارد. نکته مهم و قابل توجه در این دیدگاه نقش و تاثیر کودک در تصمیم گیری هاست. به طور کلی ایده اصلی این دیدگاه این است که «ذهن متفکر» و «دانش آموز متفکر» توسط «معلم متفکر» ساخته می شود.

۱-۲. دیدگاه رفتار گرایان

رویکردهای رفتارگرایان که معمولاً با عناوین تغییر رفتار یا تحلیل رفتار آمده است نقش تربیتی معلم را ایجاد تغییر در رفتار کودکان در کلاس می داند. نظریه شرطی کردن عامل اسکینر به منظور فراهم کردن زمینه های مناسب و راههای مطلوب در تغییر رفتار کودکان و دانش آموزان در محیط های تربیتی مورد استفاده فراوان داشته است. معلمان در نقش تربیتی خود به عنوان تغییر دهندگان رفتار، احتمال وقوع رفتارهای مثبت از قبیل همکاری و اشتراک مساعی با دانش آموزان را افزایش داده و باعث توقف و اصلاح رفتارهای ناخواسته ای چون خشونت و بدخلقی می شوند. [۱۴]

رابرت سیرز به نقش الگو دهی معلم در جریان تربیت تاکید کرده است و معتقد است که کودکان در روند همانند سازی با فرد بزرگتر و نیز معلم و مربی است که رفتار های اجتماعی مناسبی کسب می کنند. در این راستا سیرز به اهمیت نقش معلم و فرد بزرگتر در تدارک فعالیت های بازی و کسب تجربه شخصی اشارات فراوانی دارد و نهایتاً نقش معلم در تربیت کودکان و دانش آموزان، فراهم آوردن زمینه های مناسب برای کنترل شخصی، همانند سازی مناسب و کسب الگو های جنسیتی مطلوب در آنان می داند.

۱-۳. دیدگاه روان تحلیل گران

در این دیدگاه معلم در نقش فرد بزرگتر و راهنماست و تأکید بر رشد عاطفی و شخصیت دانش آموزان از جنبه های شناختی آن بیشتر است. از نظر روانشناسانی همچون اریکسون، فروید، راجرز و مازلو، نقش حمایتی و عاطفی معلم در مرکز توجه قرار داشته و تفسیر کننده احساسات، رفتارها و اعمال در جهت یاری رساندن به کودک است. معلم است که ساختار عاطفی کودک و پیشرفتهای او را در هر یک از مراحل بحرانی رشد مورد سنجش قرار می دهد.

فروید هنر تربیت کننده (معلم) را در گذر کودک در مراحل رشد و در یاد دادن چگونگی برخورد اصولی با مسائلی می داند که در هر مرحله با آنها مواجه می شود. آموزش روش های صحیح حل مشکلات به دانش آموز بر عهده معلم به عنوان فرد بزرگتر و راهنماست.

اریک اریکسون نیز هدایت کودک برای گذر از هشت مرحله تئوری را بر عهده معلم می داند و معتقد است نقش تعیین کننده فرد بزرگتر در مواجهه کودک با مشکلات و دشواری ها به شیوه ای سالم و مثبت حائز اهمیت است. نقش معلم از دیدگاه وی در شکل دهی تصویری مثبت و صحیح از خود کودک و از طریق تدارک فعالیتها و بازیهای مناسب در محیط تربیتی بسیار بارز است.

مازلو و راجرز اگر چه دارای نظریه های مرحله ای نیستند ولی تأکید هر دو بر شیوه دستیابی به خودپنداری مثبت در کودک بوده و در هدایت کودک به سوی کمال از راه محبت و حمایت و عکس العمل های مناسب در محیط های تربیتی و مدرسه، نقش تربیتی معلم را به عنوان فرد بزرگتر موثر می دانند. [۱۵]

۱-۴. دیدگاه رشد گرایان

در این دیدگاه از نظر نظریه پردازانی چون آرنولد گزل نقش معلم را در حمایت از کودک در مراحل و دوره های مختلف رشدش به عنوان راهنما می داند. در اینجا معلم فردی است که در برخورد با مسائل و مشکلات، صبر و شکیبایی و ادراک آرامش لازم را دارد و اوست که ارزیابی رشد کودک در سطوح مختلف عاطفی، روانی - حرکتی و شناختی را انجام داده و او را آماده کسب تجرب در سطح رشدی می کند. [۱۶]

تلاش معلم در این دیدگاه باید بر فراهم آوردن محیط تربیتی آزاد و متعادل بوده که امکان رشد مطلوب را میسر می سازد و معلم یا مربی می بایست فعالیت های تربیتی را با مراحل رشد دانش آموزان مطابق کرده و متناسب سازد.

۲. صلاحیت های حرفه معلمی

صلاحیت های معلمی، مجموعه شناختها، گرایشها و مهارتهایی است که آموزگار با کسب آنها می تواند در جریان تعلیم و تربیت به پرورش جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و معنوی فراگیرندگان کمک کند. این صلاحیت ها را می توان در سه حیطه شناختی، عاطفی و مهارتی طبقه بندی کرد. منظور از صلاحیت های شناختی مجموعه آگاهی ها و مهارت های ذهنی است که معلم را در شناخت و تحلیل مسائل و موضوعات مرتبط با تعلیم و تربیت توانا می سازد. صلاحیت های عاطفی مجموعه گرایشها و علایق معلم به مسائل و موضوعات مرتبط با تعلیم و تربیت است و صلاحیت های مهارتی به مهارتها و تواناییهای علمی آموزگار در فرآیند یادگیری مرتبط می شود. از مجموعه صلاحیت های سه گانه، صلاحیت تأثیرگذاری بر دانش آموز حاصل می شود. [۱۷]

کاستر و همکاران (۲۰۰۵) صلاحیتهای حرفه ای معلمان را در پنج دسته اصلی به شرح زیر تقسیم بندی نموده اند:

- **دانش تخصصی:** شامل برخورداری از آگاهی و اطلاعات لازم در رابطه با رشته تخصصی و توسعه و به روز نگهداشتن آنها می باشد.

- **صلاحیت رفتاری :** شامل داشتن دیدگاه دموکراتیک، صداقت و درستی و غیره می باشد.
- **پداگوژی :** شامل چهار عامل کمک به دانش آموزان و تعیین نیازهای یادگیری آنان، تنظیم برنامه درسی براساس نیاز دانش آموزان مختلف، طراحی فعالیتهایی برای تسهیل یادگیری و رشد یادگیرندگان و استفاده از فناوری اطلاعات در تدریس می باشد.
- **ارتباطات :** شامل برقراری ارتباط با دانش آموزان با تجارب مختلف، راهنمایی در انجام وظایف، تحلیل و روشن ساختن دیدگاه های دانش آموزان می باشد.
- **سازماندهی :** شامل صلاحیتهایی چون مدیریت زمان و تنظیم برنامه درسی مطابق با اهداف سازمانی می باشد.

۳. شایستگی های معلم اثربخش

از نظر استرانگ (۲۰۰۷) ، شایستگی های معلمان اثربخش شامل سه بخش دانش، مهارت و گرایش می شود که به شرح زیر می باشند : [۱۸]

- **دانش :** آنچه که معلم باید بداند؛ شامل دانش معلم نسبت به موضوعی که تدریس می کند، توانایی انتخاب روش تدریس مناسب با آن موضوع و آگاهی نسبت به آهنگ رشد کودک.
- **مهارت :** آنچه که معلم می تواند انجام دهد؛ شامل توانایی اداره کلاس درس، تهیه طرح درس مناسب، ارتباط آموزش با زندگی واقعی، در نظر گرفتن تفاوت های فردی، ایجاد جو مثبت در کلاس درس می باشد.
- **گرایش :** ویژگی هایی است که معلم در اختیار دارد؛ شامل توجه، عدالت و احترام، اشتیاق، داشتن انعطاف پذیری و نداشتن رفتارهای کلیشه ای و توانایی ایجاد ارتباط مناسب با دانش آموزان می باشد.

۴. ویژگی های معلم اثربخش

معلم اثربخش دارای دانش و مهارت های مورد نیاز در زمینه های مختلف برای ارائه و آموزش اهداف مدنظر نظام آموزش و پرورش است و از این دانش و مهارت در زمان مناسب به شیوه ای مطلوب و مورد انتظار برای تحقق اهداف آموزشی و تربیتی دانش آموزان استفاده می کند . [۱۱]

۴-۱. اطلاعات

۴-۱-۱. آشنایی با فناوری آموزشی

معلمان می بایست با استفاده از فناوری اطلاعات خود به عنوان فردی محقق و پژوهشگر ، دانش آموزانی محقق و پرسشگر تربیت کنند و با استفاده از اینترنت و رایانه و بکارگیری آنها در تدریس دروس در کلاس ، دانش آموزان را نیز به استفاده از آن ها تشویق کنند .

۴-۱-۲. آشنایی با استانداردهای جهانی کیفیت کار

۴-۱-۳. ارتقا سطح اطلاعات عمومی

معلم اثربخش می بایست آشنایی قابل قبولی با همه علوم و در همه زمینه های رشته تدریس خود داشته و مسائل روز سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جامعه را بشناسد. همچنین در زمینه علم روانشناسی نیز می بایست آگاهی کافی بدست آورد.

۴-۱-۴. استفاده از روش های نوین تدریس

لازمه موفق بودن معلم در تدریس، بکارگیری روش های تدریس فعال از جمله روش بارش مغزی، روش ایفای نقش، روش نمایشی، روش بحث گروهی، روش حل مسئله، روش استقرایی، روش اکتشافی می باشد. معلم اثربخش می بایست با استانداردهای تدریس خود، فرآیند یاددهی - یادگیری را ارتقا بخشیده و بداند هر روش تدریسی را در چه کلاسی و چگونه به کارگیرد.

۴-۱-۵. شرکت در دوره های ضمن خدمت

معلم اثربخش باید با شرکت در دوره های آموزش ضمن خدمت، همواره اطلاعات و دانش خود را به روز نگه داشته و تدریس خود را از حالت یکنواختی و تکرار در آورد.

۴-۱-۶. آشنایی با اصول روانشناسی تربیتی

شناخت مخاطب و شرایط خانواده و زندگی وی از ضروریات کار معلمی در طول تدریس خود می باشد. زیرا در این صورت است که می تواند فعالیت آموزش را به نحو احسن به انجام برساند.

۴-۱-۷. داشتن طرح درس

داشتن طرح درس روزانه و مدیریت زمان تدریس در کلاس از اقدامات ضروری هر معلم در کلاس درس است. داشتن آگاهی کافی در مورد انواع ارزشیابی ها و نحوه بکارگیری آنها در مراحل تدریس، حیطه های مختلف آموزشی از جمله دانش، درک و فهم، کاربرد، ترکیب قضاوت و اعمال آنها در طرح ریزی سوالات نیز از دیگر ضروریات فعالیت های معلم در کلاس درس می باشد.

۴-۲. ابتکار

۴-۲-۱. خلاقیت

خلاقیت معلم عامل مؤثری در تربیت خلاق دانش آموزانش است. بکارگیری روش های جدید و خلاقانه در فرآیند یاددهی و یادگیری، منجر به ایجاد انگیزه خلاقیت در دانش آموزان می شود.

۴-۲-۲. ایجاد فضای مملو از پرسش در کلاس

مطرح کردن سوال در کلاس درس و تحریک حس کنجکاوی دانش آموزان، منجر به افزایش فعالیت دانش آموزان در کلاس شده و آنان را ترغیب به یادگیری علوم بیشتر می کند.

۴-۲-۳. فعال نمودن تخیل دانش آموزان در کلاس

معلم اثربخش و خلاق می داند که آنچه منجر به ابتکار و نوآوری می شود تخیل است فلذا به تخیل دانش آموزان احترام گذاشته و از فعالیت های خلاقانه آنها حمایت می کند .

۴-۲-۴. عدم هراس از شکست

ترس از شکست برای معلم اثربخش معنایی ندارد . بلکه استوارانه طرح های خلاقانه خود را آزمایش کرده و پس از نتیجه گیری آن را به همه اعلام می کند .

۴-۲-۵. خطرپذیری

معلم اثربخش در راه رسیدن به اهداف خود هر گونه خطر مالی یا غیرمالی را می پذیرد .

۴-۲-۶. تغییر و اصلاح پیش فرض ها

معلم اثر بخش با تغییر پیش فرض های قدیمی و ارائه فرضیات جدید تجربه کرده و طرحی نو می دهد .

۴-۲-۷. تشخیص پیش نیازهای دانش آموزان

شناخت پیش نیازهای دانش آموزان نقطه شروع اقدامات معلم در کلاس درس می باشد تا در ادامه به برطرف کردن نیازهای آنها بپردازد .

۴-۲-۸. درمان ناتوانایی های یادگیری

معلم اثر بخش با استفاده از تجربیات خود دانش آموزان ناتوان در کلاس را شناسایی کرده و با بکارگیری روش های نوین آموزشی به آنان در یادگیری کمک می کند .

۴-۲-۹. شناخت تفاوت های فردی

توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان و شناسایی و بارورسازی استعدادهای آنان از اقدامات موثر معلم اثربخش در کلاس درس می باشد .

۴-۳. مهارت و سرعت

۴-۳-۱. مهارت های فردی

شامل قدرت به کارگیری اصول منطقی در تدریس، طرح ریزی مدل ذهنی، قدرت تجزیه و تحلیل مسائل و قدرت تصمیم گیری.

۴-۳-۲. مهارت های ارتباطی

ویژگی های چون کنترل احساسات، فن بیان، به کار بردن شعر و امثال در تدریس و گزارش نویسی صحیح از مهارت های موثر ارتباطی معلم اثربخش می باشد.

۴-۳-۳. مهارت در تدریس

بیشترین میزان اثربخشی فعالیت معلم، مهارت در تدریس می باشد. معلم قرن بیست و یک می بایست با شیوه های نوین تدریس آشنا بوده و از روش های خلاقانه در تدریس خود استفاده کند.

۴-۳-۴. استفاده از وسایل کمک آموزشی (تکنولوژی آموزشی)

به کار بردن وسایل کمک آموزشی و تکنولوژی آموزشی در امر تدریس، از مسائل مهمی است که به مهارت و سرعت تدریس معلم کمک می کند.

۴-۳-۵. مهارت تفکر انتزاعی

تفکر انتزاعی در معلمان باعث می شود آنها یک مسئله را از دیدگاه های متفاوتی بتوانند ببینند و لذا این مسئله به آنها کمک میکند راه حل های مختلفی ارائه داده و با در نظر گرفتن مزایا و معایب هر برنامه، بهترین راه حل را انتخاب و اجرایی کنند. مشکلات احتمالی را پیش از برنامه ریزی پیش بینی کرده و پیشگیری کنند. وجود مهارت تفکر انتزاعی باعث موفقیت معلمان در فرآیند آموزش و یاددهی آنها می شود.

۴-۳-۶. مهارت تجزیه و تحلیل مسائل

معلم اثر بخش بدلیل دارا بودن سطح بالایی از تفکر انتزاعی، سرشار از اندیشه های والا بوده و از هوش بالایی در حوزه کلام بهره مندند. توانایی بحث در مورد موضوعات گوناگون را داشته و ضرورت انجام کارها را می دانند.

۴-۴. ویژگی های اخلاقی

۴-۴-۱. مراعات آداب و رسوم اجتماعی

پایبندی معلم به آداب و رسوم اجتماعی و رعایت حریم عفت و پاکدامنی جامعه باعث می شود تا دانش آموزان نیز این گونه رفتار را پذیرفته و از او به عنوان الگو پیروی نمایند.

۴-۴-۲. نشاط و شادابی

معلم باید با روحیه با نشاط و شاداب پا به کلاس گذاشته و مشکلات زندگی خود را با خود به کلاس نیاورد. کسلی و افسردگی معلم در کلاس به دانش آموزان نیز منتقل می شود.

۴-۴-۳. آراستگی ظاهر

با وجود اهمیت سرعت در جهان در قرن حاضر و حداقل بودن فرصت ها، لیکن معلمان باید همواره به خود برسند و با ظاهری آراسته و مرتب وارد کلاس شود.

۴-۴-۴. سعه صدر

سعه صدر و صبر و تحمل بر تغییرات و رفتارهای نامناسب دانش آموزان لازمه موفقیت معلم در فعالیت های خود در کلاس می باشد. معلم با صبر و شکیبایی می تواند استعداد درونی فراگیران را شناسایی و آنها را شکوفا کند. معلم باید توانایی تحمل و پشت سر گذاشتن هیجانات مربوط به پیشرفت های دانش آموزان خود را داشته باشد.

۴-۴-۵. اخلاص

اخلاص از مشخص ترین و بارزترین ویژگی معلم اثر بخش در دوره شکوفایی علم است. معلم می بایست با اخلاص داشتن در کار و بدون خودنمایی و با هدف پیشرفت و تعالی جامعه به دنبال آموزش های نوین و چگونگی بکارگیری آنها در کلاس درس باشد. در صورت عدم وجود اخلاص در کار، موفقیت معلم در زمینه علمی ارزش معنوی نخواهد داشت.

۴-۴-۶. شخصیت دادن به دیگران

معلم اثربخش، علاوه بر این که خود متشخص است، برای دیگران اعم از دانش آموزان یا همکاران نیز ارزش و شخصیت قائل است و باعث رنجش دیگران با سخنان کنایه آمیز نمی شود، معلم اثربخش راهنمای بقیه در راه یابی به موفقیت ها بوده و دیگران را در جمع تحقیر و سرزنش نمی کند.

۴-۴-۷. تعهد در کار

معلم اثربخش با دستیابی به موفقیت و پیشرفت در کار، تعهد خود نسبت به جامعه و مردم را از دست نمی دهد. تعهد کاری منجر به استفاده و بکارگیری صحیح از اطلاعات علمی می شود و گزرنه علم در خدمت تباهی جامعه و نسل کشی قرار می گیرد.

۴-۴-۸. تقوا

معلم اثربخش معلمی است که تقوا در او نهادینه شده و دانش آموزان تحت تعلیم و تربیت خود را نیز به این صفت آراسته می کند. عدم وجود تقوا فرد را تحت تاثیر فرهنگ مخرب غرب قرار داده و دچار غرور علمی کاذب می شود.

۴-۴-۹. وظیفه شناسی

وظیفه شناسی خصلت ویژه معلم اثربخش می باشد. مسئولیت پذیری، عدم اتلاف وقت و عدم کم کاری در کلاس و شانه خالی نکردن از زیر بار مسئولیت از ویژگی های معلم وظیفه شناس است. معلم مسئول چشم داشتی به جنبه مالی و سود مادی کار خود ندارد و در انجام وظیفه اش به دنبال تعریف و تمجید و یا پاداش خاصی نیست.

۴-۴-۱۰. رأفت و مهربانی

مهربانی خصلت معلم اثربخش بوده و با این ویژگی بر اخلاق دانش آموزان خود اثرگذار است. پرخاشگری، عصبانیت و تندخویی از صفات اخلاقی چنین معلمی نیست و در کلاس دانش آموزان به راحتی با او به بحث پرداخته و مشکلات درسی یا غیر درسی خود را مطرح می کنند.

۴-۴-۱۱. نگرش و بینش مثبت

مثبت نگری از خصوصیات ویژه معلم اثربخش است. مسائل جدید را همواره با دید مثبت نگاه کرده و در تجزیه و تحلیل این نوآوری ها قدرتمند بوده و از آنها به عنوان فرصتی مغتنم در کار خود به خوبی استفاده می کند.

نتیجه گیری

عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیرساختهای تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه های مختلف است. تحقق آرمانهای متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملتها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسانهای عالم، متقی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد. نظام آموزشی به عنوان شاخص ترین نهاد اجتماعی در جوامع انسانی عصر حاضر، متولی امر تعلیم و تربیت و پرورش اجتماعی آحاد مردم جامعه، حافظ و ناقل میراث فرهنگی، و رشد و شکوفایی همه جانبه جامعه است. تحول در سیستم آموزش و پرورش از جمله موضوعاتی است که بیشتر نظامها و جوامع همواره آن را مد نظر قرار می دهند و از آنجا که زیرساخت هر نوع توسعه ای در کشورها را می توان در نظام تعلیم و تربیت آن جستجو کرد، پس ایجاد تحول در این بخش از ضرورت های مهم و اساسی به شمار می رود. سند تحول بنیادین به عنوان نقشه و قانون اساسی آموزش و پرورش جهت رسیدن به اهداف عالی تعلیم و تربیت بر اساس آموزه های دینی، قرآنی و اسلامی تهیه شده است.

در بررسی و نگاه به درون نظام آموزشی، ضمن آنکه باید نوعی نگرش نظام مند داشت، می توان نقش معلم را ممتاز نمود. نقش معلم همانا ایجاد انگیزه، هدایت و تشویق یادگیرندگان به یادگیری است تا در پرتو راهنمایی های داهیهانه و فکورانه وی، دانش آموزان، خود راهنمای خویش شوند. بنابراین می توان بر این نکته به جد تأکید کرد که کیفیت و قابلیت های معلمان شاغل در نظام آموزشی، آیینه تمام نمای کیفیت آموزش و پرورش می باشد. بدیهی است که معلم در فرایند یاددهی و یادگیری نقش مهم و ارزنده ای را ایفا می کند. معلم چراغ هدایت و موفقیت است که انسان را راهنمایی می کند، تا انسانها به طور منظم به کمال علم و معرفت برسند. با این حال کار معلم هنگامی ثمر بخش است که با شاگردان همکاری داشته و در کلاس درس با دانش آموزان مشارکت داشته باشد و گام به گام با آنها پیش برود و آنها را راهنمایی کند. معلم اثربخش دارای دانش و مهارت های مورد نیاز برای ارائه و آموزش اهداف مدنظر نظام آموزش و پرورش است و از این دانش و مهارت در زمان مناسب به شیوه ای مطلوب و مورد انتظار برای تحقق اهداف استفاده میکند.

منابع

۱. برزینکا، ولفگانگ؛ نقش تعلیم و تربیت در جهان امروز، ترجمه مهر آفاق بایبوردی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱
۲. صادق زاده قمصری، علیرضا؛ رضانی، معصومه؛ بررسی تطبیقی اهداف تربیتی از دیدگاه برزینکا و مبانی سند تحول بنیادین نظام تربیت جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه پژوهشی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۳
۳. خنیفر، حسین؛ مبانی تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۹
۴. عسگری، ا.؛ ضرورت ها و چالش های پیش روی تحول بنیادین در آموزش و پرورش، مقاله تحقیقی در وبلاگ پژوهشنامه، ۱۳۹۰
۵. صفی خانی، یحیی؛ نگاهی بر نقش حرفه ای معلم در نظام آموزشی، ۱۳۹۴، <http://yahya883.blogfa.com/post/36>
۶. صافی، احمد؛ تغییر و نوآوری در آموزش و پرورش ایران و چشم انداز آینده، مجله نوآوری های آموزشی، دوره ۲، شماره ۳، ۱۳۸۲

۷. قجری، ناصر؛ مزیدی، محمد؛ شمشیری، بابک؛ واکاوی و فهم اهم چالش ها و موانع عملی پیش رو در تحقق سند تحول بنیادین با تمرکز بر زیرنظام های اصلی"، مجله علمی پژوهشی "پژوهش های برنامه درسی، انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، دوره دهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹
۸. رعنائی، مجید؛ اعلام جزییات نقشه راه اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۲
<http://ayaronline.ir/1393/09/100697.html>
۹. بحری زاده، اسماعیل؛ سرمشق تربیت، انتشارات منادی تربیت، تهران، ۱۳۹۲
۱۰. داودی، محمد؛ کارآمد، حسین. فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ۱۴۰۰
۱۱. زارع، محمد؛ (۱۳۹۲)، نقش معلم در نظام آموزشی، ۱۳۹۲
<http://alim.blogfa.com/post/9>
۱۲. رزی، جمال؛ امام جمعه، محمدرضا؛ احمدی، غلامعلی؛ ارائه مدلی برای معلم اثربخش و بررسی تناسب آن با استلزامات اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش ایران، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال ۱۴، دوره ۲، شماره ۲۸، ۱۳۹۶، ۱۴ - ۱
۱۳. کریم زاده، عنایت؛ محب زاده، مجید؛ نوروزی، مهدیه؛ خیری نیا، حسینعلی؛ بررسی نقش تربیتی معلم در فرآیند تعلیم و تربیت، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی، سال سوم، شماره ۳، ۱۳۹۹.
۱۴. شکوهی، یکتا؛ تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران، انتشارات دفتر تحقیقات و برنامه ریزی، ۱۳۶۶
۱۵. الماسی، محمد؛ تاریخ مختصر تعلیم و تربیت در اسلام و ایران، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۸
۱۶. مفیدی، فرخنده؛ مدیریت مراکز پیش دبستانی، تهران؛ انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۲
۱۷. ملکی، حسن؛ صلاحیت های حرفه معلمی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴
۱۸. تقی پور، حسینعلی، کشاورز لشکناری، روح اله، و یوسف رشیدی، علی اصغر؛ دانش محتوایی روش های معلمی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، کنفرانس پژوهش های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی، ۱۳۹۶